



دانشکده ادبیات و علوم انسانی

پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته‌ی فرهنگ و زبان‌های باستانی

**بررسی تعدادی از گزیده‌های منظوم فارسی
میان ترفانی و پهلوی اشکانی ترفانی: ریشه
شناسی، آواشناسی، ترجمه و واژه‌نامه**

به وسیله‌ی
فاطمه مرادی

استاد راهنما
دکتر فرخ حاجیانی

شهریور ۱۳۸۹

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

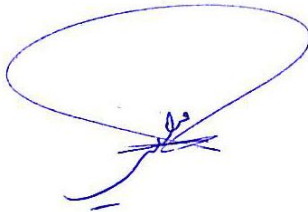
به نام خدا

اظهار نامه

اینجانب فاطمه مرادی دانشجوی رشته ی فرهنگ و زبانهای باستانی دانشکده ی ادبیات و علوم انسانی اظهار می کنم که این پایان نامه حاصل پژوهش خودم بوده و در جاهایی که از منابع دیگران استفاده کرده ام، نشانی دقیق و مشخصات کامل آن را نوشته ام. همچنین اظهار می کنم که تحقیق و موضوع پایان نامه ام تکراری نیست و تعهد می نمایم که بدون مجوز دانشگاه دستاوردهای آن را منتشر ننموده و یا در اختیار غیر قرار ندهم. کلیه حقوق این اثر مطابق با آیین نامه مالکیت فکری و معنوی متعلق به دانشگاه شیراز است.

نام و نام خانوادگی: فاطمه مرادی

تاریخ و امضاء: ۱۳۹۰/۱۰/۲۷



به نام خدا

بررسی تعدادی از گزیده‌های منظوم فارسی میانه ترفانی و پهلوی اشکانی ترفانی
ریشه‌شناسی، آوا شناسی، ترجمه و واژه‌نامه

به کوشش

فاطمه مرادی

پایان نامه

ارائه شده به تحصیلات تکمیلی دانشگاه شیراز به عنوان بخشی از فعالیت های تحصیلی لازم برای
اخذ درجه کارشناسی ارشد

در رشته‌ی

فرهنگ و زبان‌های باستان

از دانشگاه شیراز

شیراز

جمهوری اسلامی ایران

ارزیابی کمیته‌ی پایان‌نامه، با درجه‌ی:

دکتر فرخ حاجیانی، استادیار بخش زبان‌های خارجی و زبان شناسی (استاد راهنما)

دکتر گلنار قلعه‌خانی، استادیار بخش زبان‌های خارجی و زبان شناسی

دکتر کتابون نمیرانیان، استادیار بخش زبان‌های خارجی و زبان شناسی

شهریورماه ۱۳۸۹

سپاسگزاری

اکنون که به یاری خداوند توانایی به انجام رساندن این رساله را داشته‌ام، بر خود لازم می‌دانم که از زحمات تمام استادانی که در انجام این تحقیق مرا یاری نموده‌اند، سپاسگزاری کنم. راهنمایی‌های استاد ارجمند جناب آقای دکتر حاجیانی و همچنین اساتید گرانقدرم خانم دکتر قلعه‌خانی و خانم دکتر نمیرانیان را ارج می‌نهم.

چکیده

بررسی تعدادی از گزیده‌های منظوم فارسی میانه ترفانی و پهلوی اشکانی ترفانی: ریشه‌شناسی، آواشناسی، ترجمه و واژه‌نامه

به کوشش

فاطمه مرادی

متون فارسی میانه مانوی و پهلوی اشکانی ترفانی نه تنها از نظر محتوا بلکه از جهت ادبی اهمیت فراوان دارند. این سرودها که برای هدفهای دینی سروده شده است فصیح و شیوا و زبان آن غنی است. نثر متون مانوی به زبان فارسی میانه و پارتی ثقیل و بسیار ساده است. در برابر، آثار منظوم مانوی از ارزش والاتری برخوردارند. از آنجا که ادبیات مانوی خصوصاً سرودها بخش مهمی از ادبیات ایران باستان را شامل می‌شود و تاکنون نیز واژه‌نامه‌ی ریشه‌شناختی برای این متون ارائه نشده است بر آن شدیم ضمن ارائه فرهنگ جامع ریشه‌شناختی، واژگان را نیز از لحاظ دستوری بررسی کرده و معادل آنها را در زبانهای ایرانی باستان، اوستایی، فارسی باستان، فارسی میانه، سغدی، فارسی نو، سنسکریت و هندو اروپایی بیاوریم. در ضمن ارائه چنین واژه‌نامه‌ای می‌تواند دانش پژوهان را در جهت شناخت بهتر متون مانوی و نیز سیر تحول واژگان فارسی راهنمایی کند.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
فصل اول: مقدمه	
۲	۱-۱-۱- مقدمه
۳	۱-۱-۱-۱- مانی
۴	۲-۱-۱- ادبیات مانوی
۷	۳-۱-۱- وزن اشعار مانوی
۱۰	۴-۱-۱- اشعار فارسی به شیوه آثار منظوم ایرانی میانه
۱۱	۲-۱- مبانی نظری تحقیق
۱۱	۳-۱- مروری بر تحقیقات انجام شده
۱۴	۴-۱- روش تحقیق
فصل دوم: گزیده‌های منظوم فارسی میانه ترفانی و پهلوی اشکانی ترفانی	
۱۷	۱-۲- حرف نوشت متون
۱۷	۱-۱-۲- متن ce
۱۸	۲-۱-۲- متن cf
۱۸	۳-۱-۲- متن cg
۱۸	۴-۱-۲- متن ch
۱۹	۵-۱-۲- متن cj
۱۹	۶-۱-۲- متن ck
۲۰	۷-۱-۲- متن cl
۲۰	۸-۱-۲- متن cla
۲۰	۹-۱-۲- متن cm
۲۱	۱۰-۱-۲- متن cn
۲۲	۱۱-۱-۲- متن co

۲۲cp متن ۱۲-۱-۲
۲۲cq متن ۱۳-۱-۲
۲۳cqa متن ۱۴-۱-۲
۲۳cr متن ۱۵-۱-۲
۲۴cs متن ۱۶-۱-۲
۲۵ct متن ۱۷-۱-۲
۲۵cu متن ۱۸-۱-۲
۳۰cv متن ۱۹-۱-۲
۳۲cw متن ۲۰-۱-۲
۳۲cx متن ۲۱-۱-۲
۳۳cy متن ۲۲-۱-۲
۳۴cz متن ۲۳-۱-۲
۳۵۲-۲-آوا نوشت متون
۳۵ce متن ۱-۲-۲
۳۶cf متن ۲-۲-۲
۳۶cg متن ۳-۲-۲
۳۶ch متن ۴-۲-۲
۳۷cj متن ۵-۲-۲
۳۷ck متن ۶-۲-۲
۳۷cl متن ۷-۲-۲
۳۷cla متن ۸-۲-۲
۳۸cm متن ۹-۲-۲
۳۹cn متن ۱۰-۲-۲
۳۹co متن ۱۱-۲-۲
۳۹cp متن ۱۲-۲-۲
۴۰cq متن ۱۳-۲-۲
۴۰cqa متن ۱۴-۲-۲
۴۰cr متن ۱۵-۲-۲
۴۱cs متن ۱۶-۲-۲
۴۱ct متن ۱۷-۲-۲

۴۲ متن ۱۸-۲-۲ CU
۴۶ متن ۱۹-۲-۲ CV
۴۷ متن ۲۰-۲-۲ CW
۴۷ متن ۲۱-۲-۲ CX
۴۸ متن ۲۲-۲-۲ CY
۴۸ متن ۲۳-۲-۲ CZ

فصل سوم: ترجمه سرودهای مانوی

۵۱ ۱-۳ سرودهایی در بزرگداشت مانی و رهبران دین
۵۱ ۱-۱-۳ سرود یادبود مانی
۵۳ ۲-۱-۳ سرودهای یاد بود محتملاً برای مانی
۵۴ ۳-۱-۳ سرود
۵۴ ۴-۱-۳ سرود یادبود مار زکو
۵۷ ۵-۱-۳ بندهای نخستین سه سرود در ستایش شاداورمزد
۵۸ ۶-۱-۳ بندهایی از یک سرود در بزرگداشت و همن خورشید
۵۸ ۷-۱-۳ بندهایی از یک سرود در ستایش مانی
۵۹ ۸-۱-۳ بندهایی از یک سرود در ستایش مانی
۶۰ ۲-۳ سرودهایی در ستایش بزرگان و دین سرهنگان
۶۰ ۱-۲-۳ سرودی در ستایش بلندپایگان و جامعه مانوی
۶۳ ۲-۲-۳ سرودی در ستایش دین سرهنگان
۶۴ ۳-۲-۳ سرودی به افتخار رهبر دین
۶۵ ۴-۲-۳ سرودی به افتخار یکی از آموزگاران دین
۶۶ ۵-۲-۳ سرودهایی در بزرگداشت بر تخت نشینی اسپسگان
۶۷ ۶-۲-۳ سرودی در گزینش یک آموزگار
۶۸ ۷-۲-۳ سرودهایی برای سلسله مراتب دینی
۷۱ ۸-۲-۳ از سرودی برای جامعه مانوی
۷۲ ۹-۲-۳ از دو سرود در ستایش فرشتگان
۷۳ ۳-۳ سرودهای آیینی
۷۳ ۱-۳-۳ بخشی از یک نیایش نامه
۸۷ ۲-۳-۳ بخشی از یک نیایش که سرآغاز آن منظوم است

۳-۴-۳- سرودهایی از سرودنامه هویدگمان و آنگد روشنان ۹۱

۳-۴-۱- سرودهایی از هویدگمان (نیک بختی برای ما) ۹۱

۳-۴-۲- بندهایی دیگری از هویدگمان (نیک بختی برای ما) ۹۳

۳-۴-۳- سرودهایی از آنگد روشنان (روشنی‌های کامل) ۹۴

۳-۴-۴- سرودهای دیگری از آنگد روشنان ۹۶

فصل چهارم: واژه‌نامه ۱۰۱

فصل پنجم: نتیجه‌گیری و پیشنهادات ۲۸۵

فهرست منابع و مأخذ

منابع فارسی ۲۸۶

منابع انگلیسی ۲۸۷

پیوست ۲۸۹

فهرست نشانه‌های اختصاری

پات: پهلوی اشکانی ترفانی

فم: فارسی میانه مانوی

قس: قیاس کنید با

نک: نگاه کنید به

- AiW: Bartholomae, Chr. (1979). *Altiranisches Wörterbuch*. Berlin.
- AV.gr: Jackson, A.V.W. (1892). *Avesta Grammar*. Stuttgart: Kohlhammer.
- EDIV: Chung, J. (2007). *Etymological Dictionary of the Iranian Verb*. Leiden. Boston: Brill.
- ELP: Ghilain, A. (1966). *Essai sur la langue Parthe*. Louvain.
- ENP : Gershevitch, IL. (1967). " Etymological Notes on Persian mih , naxčir , bēgānag , and bīmār" , in *Philologia* .
- EWA: Mayrhofer, M. (1986-1997). *Etymologisches Wörterbuch des Altindoarischen, I-III*. Heidelberg: Carl Winter.
- GMS: Gershevitch, IL. (1954). *A Grammar of Manichean Sogdian*. Oxford: Blackwell.
- IEW: Pokorny, J.(1959). *Indogermanisches Etymologisches Wörterbuch, I-II*. Bern-Stuttgart.
- Liste: Kellens, J. (1995). *Liste du verbe avestique*. Wiesbaden: Reichert.
- LIV: Helmut, R. (2001). *Lexikon der indogermanischen Verben*. Wiesbaden: Reichert.
- MP: Nyberg, H.S. (2003). *A Manual of Pahlavi, II*. Tehran: Asatir.
- OP: Kent, R.G. (1953). *Old Persian, Grammar-Texts-Lexicon*. New Haven: American Oriental Society.
- PST: Hübschmann, H. (1895). *Persische studien*. Strassburg: Trübner.
- Root: Whitney, W.D.(1945). *The Roots, Verb-Forms, and Primary Derivatives of the Sanskrit Language*, New Haven.
- Sog. Dict: Gharib, B (1995). *Sogdian Dictionary (Sogdian-Persian- English)*. Tehran: Farhangian.
- Verb: Henning, W.B. (1977). *Das Verbum des Mittelpersischen der Turfanfragment, im Acta Iranica 14*. Leiden.
- W-List: Boyce, M. (1977). *A Word-List of Manichaeic Middle Persian and Parthian, Aclr9a*. Belgium: Tehran-Liege.

فصل اول

مقدمه

۱-۱- مقدمه

زبان به عنوان مهم ترین وسیله‌ی پیام رسانی و برقراری ارتباط در جوامع بشری، پدیده‌ی اجتماعی خاصی است که همانند دیگر نهادهای اجتماعی، صورت ثابتی ندارد و همواره در حال تحول و دگرگونی است. باید دانست که دور شدن یک صورت زبانی از اصل و فرم قدیمی، یا تغییر یکی از صورتهای زبانی، خطا و غلط شمرده نمی شود. بلکه این دگرگونیها معلول رویدادهای اجتناب ناپذیر زمان است.

باید توجه داشت که تحولات زبانی تابع قوانین و قواعد معینی است و به همین دلیل با اینکه هر زبانی از صورت اصلی خود بسیار دور شده است، می توان رابطه‌ی آن را با اصل و با زبانهای دیگری که با آن هم خانواده‌اند، تشخیص داد.

زبان فارسی در خانواده‌ی وسیع و گسترده هندواروپایی، از زمره معدود زبانهایی است که می توان سیر تحولی آن را از قدیم ترین دوره های تاریخ تا امروز بررسی کرده، دگرگونیهای آن را به صورت متوالی، بازشناخت. زیرا از این زبان در مقاطع تاریخی، اسناد و آثار مکتوبی در دست است که چگونگی و قواعد تحول آن را در طی ۲۶ قرن روشن می کند.

با توجه به اینکه در بررسی آثار مکتوب زبان فارسی از قدیم ترین ازمینه تا زمان حاضر سه دوره تحولی را می توان تعیین کرد، تحولات تاریخی این زبان به سه دوره‌ی: ۱- باستان، ۲- میانه، ۳- جدید تقسیم می شود (باقری، ۱۳۸۰، ۹-۱۱).

۱. دوره باستان از دورانی که نخستین آثار زبانهای ایرانی وجود دارد، یعنی زمان تالیف گاهان یا گاتهای زردشت (احتمالاً حدود سده ۱۲ تا ۱۰ ق.م)، آغاز می شود و در اواخر دوره هخامنشی (حدود ۳۰۰ ق.م) پایان می پذیرد.

۲. دوره میانه از اواخر دوره هخامنشی (حدود ۳۰۰ ق.م) آغاز می شود و در اوایل دوره اسلامی (قرن هفتم م.) پایان می پذیرد، ولی نگارش به زبانهای این دوره تا قرن سوم و چهار هجری و در مواردی (مانند زبان خوارزمی) تا قرن هفتم هجری نیز ادامه می یابد. زبانهای معمول در این دوره را بنا بر موازین زبانی و جغرافیایی به دو گروه تقسیم می کنند:
الف. زبانهای شرقی که به دو شاخه شمالی و جنوبی تقسیم می شوند.

ب. زبانهای غربی نیز به دو شاخه شمالی و جنوبی تقسیم می شوند. شاخه غربی شمالی در قلمرو پارتها یا اشکانیان متداول بوده است و آن را پهلوانیگ، پهلوی اشکانی یا پارتی می نامند. شاخه غربی جنوبی اساساً زبان متداول در فارس، در دوره ساسانی بوده که در نواحی دیگر گسترش یافته است. دانشمندان جدید این زبان را در مقایسه با فارسی باستان و فارسی جدید، فارسی میانه می نامند، ولی بنا بر سنت، نام آن پهلوی است.

۳. دوره جدید از اواخر زمان ساسانی آغاز گردیده است و تاکنون ادامه دارد (آموزگار-تفضلی، ۱۳۸۲، ۱۱-۱۲).

از آنجا که در این رساله تعدادی از متن های منظوم فارسی میانه ترفانی و پهلوی اشکانی ترفانی بررسی می شوند بجاست پیش از هر چیز به بررسی زندگی مانی و ادبیات مانوی بپردازیم.

۱-۱-۱- مانی

مانی در ۱۴ آوریل ۲۱۶ میلادی در شمال بابل، مقارن پایان دوره اشکانی به دنیا آمد. پدر او به نام پتگ از اهالی همدان و مادرش، مریم، از خاندانی اشرافی بود. پتگ از همدان به تیسفون، پایتخت اشکانیان، رفت و در آنجا به فرقه مغتسله پیوست که فرقه ای گنوسی بود. او به ادعای خود در پی پیامی از گوشت خوردن، شراب نوشیدن و همبستری با زن دست کشید و به اتفاق فرزندش مانی که چهار ساله بود، به میان اعضای فرقه رفت. بنا به روایات مانوی، مانی کودکی محتملاً دوازده ساله بود که فرشته ای یا روحی ایزدی بر او ظاهر شد و حقیقت الهی دین را بر او آشکار ساخت. دوازده سال بعد، همان روح باز بر او ظاهر شد و به او دستور داد تا به تعلیم دین بپردازد. او نخست پدر خویش را به دین خود در آورد، سپس بزرگان خانواده را و سپس با سفر دریایی به هند، سرزمین توران و مکران رفت یعنی به سند و بلوچستان امروزی، و قادر شد شاه توران و گروهی از درباریان او را به دین خود در آورد. در زمان بر تخت نشستن شاپور اول ساسانی (۲۴۲ میلادی) از طریق دریا به پارس بازگشت و پیاده تا به خوزستان و میشان در بخش سفلازی دجله رسید. در راه با مخالفت های بسیار رو به رو شد. از آنجا به بابل بازگشت. سپس در پی تبلیغ در بابل و سفر دوباره به پارس، به سرزمین ماد رفت. دشمنان زیادی پیدا کرد، اما بنیان مجامع مانوی را نیز ایجاد کرد و توانست پیروز، یکی از برادران شاه، را به دین خود در آورد و همو باعث ملاقات مانی با شاپور اول شد. مانی سه بار با شاپور ملاقات کرد و شاه سرانجام، او را به عنوان یکی از ملازمان درباری پذیرفت و به وی اجازه تبلیغ در سراسر کشور خود را داد. او توانست در طی سال های دراز به تبلیغات سودمندی به نفع دین خود در پارس و پارت بپردازد. او علاوه بر تبلیغ دین به پزشکی نیز می پرداخت و توانست در اواخر عهد شاپور یکی دیگر از برادران شاه، یعنی مهرشاه، فرمانروای میشان را نیز به دین خود در آورد. او نمایندگانی به مصر، روم و شمال شرقی شاهنشاهی ساسانی فرستاد و موفقیت های عظیمی به

دست آورد.

در زمان مرگ شاپور در حدود ۲۷۳ م. مانویت در سراسر شاهنشاهی پایگاهی استوار یافت، در حالی که دین رسمی زرتشتی بود. در زمان پادشاهی هرمزد، پسر شاپور، مانی به بابل بازگشت، اما پس از پادشاهی کوتاه هرمزد، در دوره پادشاهی بردارش بهرام، مانی دوباره به سفر آغاز کرد و در ساحل دجله به جنوب رفت و چون می خواست از اهواز به شمال شرقی کشور سفر کند، دولتیان او را از سفر مانع شدند و او به میشان بازگشت و از کنار دجله به تیسفون باز آمد. سپس از او خواستند تا به حضور بهرام رسد.

بهرام بر اثر تحریکات موبدان زرتشتی با او گستاخی کرد و دستور داد وی را به زندان افکندند و در زنجیرش کردند. او پس از بیست و شش روز اسارت، در حدود ۲۷۷ م، در سن ۶۱ سالگی یا اندکی بیشتر جان سپرد (بهار، ۱۳۸۴، ۸۲-۸۳).

۱-۲- ادبیات مانوی

مانی و پیروان او، بر خلاف زرتشتیان، به نوشتن کتب و رسالات اعتقاد و علاقه فراوان داشتند و این امر را یکی از وسایل عمده تبلیغ دین خود می دانستند. مانی یکی از برتری‌های دین خویش را بر ادیان دیگر در داشتن آثار مکتوب به زبان‌های متداول مختلف می داند. مانی و پیروان او، برای ترویج دین خود، آثارشان را به زبان مردمی که در میان آنان قصد تبلیغ داشتند، می نوشتند یا از زبان دیگری ترجمه می کردند (تفضلی، ۱۳۸۳، ۳۳۳).

آثاری که از مانویان به زبان‌های ایرانی (فارسی میانه و پارتی و سغدی) در دست است، در اوایل قرن بیستم از زیر خرابه‌های دیرهای مانویان، که در زیر شن و خاک مدفون شده بود، به دست آمد و در کشف و قرائت و ترجمه و تفسیر آن‌ها سهم عمده از آن دانشمندان و محققان آلمانی است.

اکثر آثار مانوی ایرانی (به فارسی میانه و پارتی و سغدی و فارسی دری) به خط مخصوص مانویان است که از خط سطرنجیلی سریانی گرفته شده است. خط مانوی، بر خلاف خط پهلوی، خطی است که ابهام کمتری دارد. مانی آثار خود را به زبان مادریش، که آرامی شرقی بود، می نوشت و پیروان او آن‌ها را به زبان‌های مختلف ترجمه می کردند (همان ۳۳۴-۳۳۵). آثار اصلی مانوی که متعلق به مانی شمرده می‌شد، هفت اثر بود که عبارت‌اند از:

۱. انجیل زنده
۲. گنج زندگان
۳. رسالات
۴. رازان (اسرار)
۵. غولان
۶. نامه‌ها
۷. نیایش‌ها

افزون بر این، مانی کتابی به فارسی به نام شاپورگان داشت که چکیده عقاید خود را برای شاپور ساسانی در آن آورده بود. او کتاب دیگری به نام آردهنگ^۱ که در فارسی ارتنگ و ارزنگ خوانده می‌شود، داشت که در آن، تصویرهایی به قلم مانی از جهان مانوی بود و تفسیر آنها، و

^۱- Ardahang

نیز کتابی از او بازمانده است به نام کفالایا^۱ یا سخنرانی‌ها که مجموعه گفتارهای مانی است و در آن پیشگویی‌هایی هم دیده می‌شود. از اصل آرامی این کتاب‌ها در میان آثار یافته شده در تورفان اثری نیست. (بهار، ۱۳۸۴، ۹۳).

ظاهراً مانی افزون بر نویسندگی، نگارگری و خوشنویسی، با هنر شعر نیز مأنوس بود، چون سروده‌هایی بدو نسبت داده‌اند. او سراینده برخی قطعات شاعرانه «انجیل زنده»^۲ و «مزامیر» بود. مانی دوزبور منظوم سروده بود که ترجمه قطعات مفصلی از یکی از آن دو به زبان پارسی، و قطعاتی از آن به پارسی میانه و سغدی در دست است و در پارسی عنوان «آفرین بزرگان»^۳ را دارد. این زبور شامل نیایش‌هایی است خطاب به پدر بزرگی و ایزدان آفرینش سوم و دارای چندین بخش است. در هر بخش، عبارت معینی به صورت ترجیع بند در طول متن تکرار می‌شود. زبور دیگر مانی «آفرین تقدیس»^۴ نام دارد، چون هر یک از نیایش‌ها با واژه قادوش (qādūš: قُدّوس) آغاز می‌گردد (اسماعیل‌پور، ۱۳۸۶، ۱۹۲-۱۹۱).

از پیروان مانی نیز تعدادی آثار منظوم باقی مانده است. از قدیمی‌ترین آثار منثور که پس از مانی تالیف شده است می‌توان به کتاب اُخنوخ و چوپان هِرمس اشاره کرد. از دیگر این آثار می‌توان به:

۱. شرح حال مانی
 ۲. داستان‌های تمثیلی
 ۳. نامه‌ها
 ۴. تفسیر جان^۵
 ۵. تکوین عالم
 ۶. مواعظ مَنُوهُمیدروشن^۶
 ۷. چکیده تعلیمات مانی
- اشاره کرد.

علاوه بر این‌ها، قطعاتی از دستوره‌های دینی برای نیوشاگان و گزیدگان، مواعظ، متون تعلیمی به صورت سؤال و جواب، ادعیه، توبه‌نامه، متون نجومی و تقویمی، تعویذ بر ضد بت و طلسم دور کردن دیوان در دست است. متأخرترین متون منثور به فارسی میانه مقدمه‌ای است بر یک مجموعه سرود (مَهْرنامگ) که در تاریخی میان ۸۲۵ تا ۸۳۲ میلادی در قره شهر در ترکستان چین نوشته شده است (تفضلی، ۱۳۷۸، ۳۴۷).

بخش عمده از ادبیات مانوی را سرودهای دینی تشکیل می‌دهد. این سرودها را همراه با موسیقی در مراسم دینی می‌خواندند. اشعار مانوی از نظر صورت ظاهر به سه دسته تقسیم می‌شوند:

۱. سرودهای بلند که دارای بخش‌های متعدد است.
۲. مدایح دینی بلند بدون داشتن تقسیمات فرعی.
۳. سرودهای کوتاه.

¹ - Kephalaia
² - Ewāngelyōn zīndag
³ - wazurgān Āfrīwan
⁴ - Qšūdagān Āfrīwan
⁵ - gyān wifrās
⁶ - Manohmēd rōšn

۱. سرودهای بلند. این سرودها، که به تقلید از دور زبور مانی سروده شده است، دارای بخش‌های جداگانه‌ای است و هر بخش «هَندام» (اندام، عضو) نامیده می‌شود. از این نوع منظومه‌ها، چهار مجموعه در دست است. دو مجموعه از آن‌ها به فارسی میانه است با عنوان «گفتار نَفَس زنده»^۱ و «گفتار نَفَس روشن»^۲. دو مجموعه دیگر به زبان پارسی است به نام‌های «هُویدگمان»^۳ و «اَنگَدروشنان»^۴ که قطعاتی از آن‌ها به زبان سغدی نیز در دست است. این عناوین از نخستین کلمات بیت اول این مجموعه‌ها گرفته شده است. در این دو مجموعه، که هر کدام دارای هشت بخش (هَندام) است، سخن از روح سرگردان و پریشانی است که گرفتار حمله‌های دشمن شده و در آرزوی نجات دهنده‌ای است. سرانجام در ششمین بخش از سرود نجات دهنده‌ای ظاهر می‌شود و بدو نوید رهایی می‌دهد. سراینده مجموعه سرودهای هُویدگمان اسقفی مانوی به نام مار خورشید وَ هَمَن بوده است.

۲. مدحیه‌های بلند (در فارسی میانه: اَفْرِشَن،^۵ در پارسی: اَفْرِیَوَن). این سرودها غالباً خطاب به یکی از ایزدان مانوی یا خودمانی است. در این آثار مانویان از یشت‌های اوستا تقلید کرده‌اند. هیچ کدام از این سرودها به طور کامل باقی نمانده است.

۳. سرودهای کوتاه (در فارسی میانه: مَهَر و در پارسی: باشاه). بعضی از این سرودها، به علت کوتاهی، به صورت کامل باقی مانده‌اند. این سرودها در ستایش خدایان، بزرگان مانوی، و در رثای آنان است یا سرودهایی است که در مراسم روز دوشنبه، روز مقدس مانویان، یا در جشن سالانه بَمَه خوانده می‌شد.

شعرهای مانوی در نسخه‌ها غالباً به صورت نثر نوشته شده است، ولی معمولاً آخر ابیات را با نقطه‌ای رنگین مشخص کرده‌اند. غالب سرودهای گروه اول به صورت شعر نوشته شده و میان ابیات فاصله سفید است. هر بیتی دارای دو مصراع است و در میان هر مصراع یک یا دو نقطه گذاشته می‌شود که مصراع را به دوباره قسمت می‌کند. در مواردی و غالباً در حاشیه بیت دوم حرف «پ» به خط مانوی نوشته می‌شود و پس از آن نیز یک بیت در میان تکرار می‌شود. این حرف که مخفف پَدوازگ (پاسخ) است نشان دهنده این است که این ابیات را بایستی جمع شنوندگان تکرار می‌کردند. بسیاری از سرودهای دسته سوم ابجدی هستند. بدین معنی که هر یک از ابیات، و ندرتاً کلمات مهم، به ترتیب با یکی از حروف ابجد شروع می‌شود. این روش را، که خاص سنت مکتوب است، مانویان از سامیان اقتباس کرده‌اند. در شعرهای ابجدی غالباً شعری خارج از ردیف ابجدی پس از بیت اول یا دوم یا جای دیگر می‌آید. گاه نیز بیتی پس از آخرین حرف ابجد، یعنی ت، افزوده می‌شود (تفضلی، ۱۳۷۸، ۳۴۸-۳۵۰).

۱- gōwišn ī grīw zīndag

۲- gōwišn ī grīw rōšn

۳- Huyadag-mān

۴- Angad rōšnān

۵- āfurišn

۶- āfīwan

مضمون بیش‌تر سرودنامه های پارتی، نجات و رستگاری نور یا روح در بند است. در این سروده‌ها، روح همواره در جست و جوی منجی است تا رستگار گردد. روح نومید است و فریاد می‌کشد «چه کسی نجات خواهدم بخشید؟»؛ روحی تنها، ترسخورده و گریان که به باز جُستِ نور و رهایی است. آنگاه منجی پیش می‌آید و کلامی مهربان و عاشقانه بر زبان می‌راند. دیوان می‌گریزند و مژده رستگاری به روح داده می‌شود. روح جامه نور بر تن می‌کند و از زندان ظلمانی تن آزاد می‌گردد و به آسمان می‌رود. مضمامینی همانند در اشعار مانوی نمادِ چیرگی ظلمت در روزگار ساسانی است. ستیز میان نور و ظلمت، خود نماد ستیز طبقاتی است (اسماعیل‌پور، ۱۳۸۶، ۱۹۲).

۱-۱-۳- وزن اشعار مانوی

درباره نوع نظم اشعار ایرانی میانه غربی دو نظر ابراز شده است.

الف- نظم هجایی. گروهی ایران‌شناس اساس نظم را در اشعار ایرانی میانه غربی شمار هجاها دانسته‌اند. این گروه می‌گویند که اشعار هندی و ایرانی از سطرهای هشت هجایی تشکیل می‌شده است. ایران‌شناسانی که اشعار ایرانی میانه غربی را هجایی می‌دانند می‌گویند شاعران دوره اشکانی و ساسانی به سنت شاعران دوره باستانی شعرهای خود را در نظم هجایی سروده‌اند.

ب. نظم ضربی. هنینگ، ایران‌شناس آلمانی، اشعار ایرانی میانه غربی را منظوم به نظم ضربی دانسته است. خانم بویس، ایران‌شناس انگلیسی و آقای اوتاس، ایران‌شناس سوئدی و آقای لازار ایران‌شناس فرانسوی، نظر او را تایید کرده‌اند. هنینگ گفته است که اشعار یشته منظوم بوده است به نظم ضربی و این نوع نظم را شاعران دوره اشکانی و ساسانی در سرودن شعرهای خود به کار گرفته‌اند (ابوالقاسمی، ۱۳۷۴، ۶۳-۶۴).

خاورشناسان اشعار مانی را، که در کشفیات تورفان بدست آمد، خواندند و ترجمه کردند و قواعدی از نظم آنها دریافتند. به موجب آن تحقیقات بنای شعر مانوی بر شماره هجاها بوده و در قطعات مفصل اغلب هر مصراع شامل ۸ هجا می‌باشد. اما مصراعهای ۵ و ۶ و ۷ و ۹ و ۱۰ و ۱۱ هجائی نیز در میان قعطات مانوی دیده می‌شود (خانلری، ۱۳۴۵، ۴۵). اما این گمان که وزن شعر فارسی میانه و پارتی هجایی است، یعنی تساوی هجاها مبنای وزن است مورد انتقاد هنینگ قرار گرفت. وی بر آن بود که وزن این اشعار ضربی یا تکیه‌ای است (تفضلی، ۱۳۷۸، ۳۵۰). به نظر او، مصراع‌های اشعار لزوماً نپایست ۸ هجایی یا مثلاً ۵ الی ۱۱ هجایی بوده باشد، بلکه شمار تکیه‌ها به عنوان ملاک و معیار نهایی است (اسماعیل‌پور، ۱۳۸۶، ۱۲۸).

تازه‌ترین پژوهش درباره وزن شعر پارتی توسط ژیلبرلازار، انجام گرفته است. او طی مقاله‌ای مهم، حدود و ثغور وزن شعر پارتی را با بررسی سه شعر پارتی از میان سرودنامه‌های انگدروشان و هُویدگمان مشخص کرده است. به طور کلی، لازار اشعار پارتی را دارای نظم تکیه

شعری یا ضرباهنگ دانسته که ممکن است با تکیه معمولی تفاوت داشته یا نداشته باشد. در عین حال، لازار همانند مری بویس، اعتراف می‌کند که تنوع انعطاف‌پذیری الگوهای حاصله از مصراع‌ها و پاره‌های پارتهی مانوی، هر تلاشی را برای تدوین الگویی مشخص و مطمئن برای شعر پارتهی خنثی می‌کند.

لازار معتقد است که می‌توان با کنکاش بیش‌تر به برخی از قواعد شعری پی برد، از جمله قواعد زیر:

۱. وزن بر تکرار واحدهای زمانی ضربی (ضرباهنگ) در فواصل منظم مبتنی است.

۲. ضرباهنگ الزاماً با تکیه واژه منطبق نیست.

۳. کمیت هجاها نقشی خاص ایفا می‌کند.

واحد شعر پارتهی معمولاً بیت است که از دو مصراع مساوی تشکیل می‌شود. هر مصراع به دو پاره یا نیم مصراع بخش می‌گردد. فاصله میان دو پاره در دست‌نوشته‌های مانوی اغلب نشان داده می‌شود. هر پاره از دو واژه اصلی تکیه‌دار تشکیل می‌شود، این تکیه‌ها عمدتاً بر هجای آخر نهاده می‌شده است. پس، هر پاره از دو رکن یا دوپایه و یک ضرباهنگ در بخش پایانی تشکیل می‌شود و هر رکن معمولاً دو، سه یا چهار هجا دارد. هجاها خود به دو دسته کوتاه و بلند تقسیم می‌شوند.

ضرباهنگ همیشه بر هجای بلند فرود می‌آید. البته قواعد مذکور دارای استثناهایی می‌باشد. به ویژه پایه‌های پنج‌هجایی دارای انواع متفاوتی است. پایه‌های شش‌هجایی را که نادرند، می‌توان به دوپایه سه‌هجایی بخش کرد. لازار میان مختصات آوایی تکیه و ضرباهنگ تفاوت قایل شد و چنین نتیجه گرفت: «هجایی که حامل تکیه واژه است و هجای پذیرای ضرباهنگ، از نظر وزنی با فرآیندهای متفاوتی برجسته می‌شوند. برای مثال، می‌توان در نظر داشت که اصولاً تکیه بر ارتفاع^۱، نواخت^۲ و ضرباهنگ بر کشش^۳ آن مبتنی است.»

بدین گونه، قواعد شعر پارتهی که قبلاً ذکر کردیم، تکمیل می‌گردد:

۱. در شرایط خاص، یک پایه می‌تواند یک‌هجایی، پنج‌هجایی یا شش‌هجایی باشد. در پایه‌های پنج‌هجایی و شش‌هجایی به ترتیب، حداقل باید دو هجا یا سه هجا سبک (یا کوتاه) باشند؛

۲. ضرباهنگ (مربوط به نخستین پایه هر پاره) می‌تواند بر هجای میانی واژه فرود آید؛

۳. هجای تکیه‌پذیر واژه لزوماً حامل ضرباهنگ نخواهد بود؛

۴. پی‌بست‌ها^۴ از نوع واژه‌های نواخت بر می‌شوند.

در سه شعر پارتهی مانوی (انگدروشنان^۶، هویدگمان^{۶c} و هویدگمان^{۴a})، بسامد پایه‌های

¹- élévation

²- ton

³- longueur

⁴- enclitiques